



### روزهای شناس رامبد جوان

### #

**گروه ادب و هنر**ا این روزها برای رامبد جوان روزهای شناسی است. علاوهبر اینکه برنامه پربینندهاش «خندوانه» از تلویزیون پخش می‌شود، در حال آماده‌سازی **نور** و رنگ آخرین فیلم بلندش با نام «نگار» است و قصد دارد آن را به‌زودی برای نمایش آماده کند. احتمال دارد این فیلم یکی از گزینه‌های عبید فطر باشد. علاوهبر این فیلم، «آزادی مشروط» یا بازی رامبد جوان و کارگردانی حسین مهکام به شبکه نمایش خانگی آمد. حسین پاکدل و هنگامه قاضیانی هم با رامبد جوان در این فیلم همبازی هستند. فیلمی که در سی‌وسومین جشنواره فیلم در بخش نگاه نو به نمایش درآمد و در مورد زندگی یک خانواده در سه شبانه‌روز پر تنش است.

### یادداشت

**نگاهی به رمان «سلام» نوشته تبسم غیبشی**

## نامه‌ها



**طلا نژاد حسن**

داستان‌نویس

بزرگ علوی» توانست سبک و سیاق تازه‌ای در ادبیات داستانی زمان خودش ارائه دهد.

غیبشی در رمان «اسلام» به وسیله این شیوه داستان‌نویسی سعی دارد با به تصویر کشیدن و ذهنی کردن تنش‌ها و فشارهای روحی روانی چند زوج جوان، زندگی در محیط شهری را از بعضی زوایا عریان کند. نامه‌ها میان این زوج‌های روزنامه‌نگار که زندگی دانشجویی را نیز تجربه می‌کنند، رد و بدل می‌شود. چیدمان این نامه‌ها، یکی از عوامل تعیین‌کننده در شکل‌گیری عرصه این رمان است. زیرا، روابط عاطفی و اجتماعی این زوج‌ها را بدون توضیح فرصت‌های داستانی به تصویر می‌کشد.

زمان رد و بدل‌شدن نامه‌ها شهریور ۷۸ تا اواخر مرداد ۷۹ است. نویسندگان ظاهرا قصدشان از نوشتن درددل است، اما منتج به نزدیکی متن به پارهای از خطوط قرمز نیز می‌شود.

<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><div></div></div>	<div>نامه‌ها که بازتاب رخدادها و مسائل روزمره است، به نوعی حاوی پیچیدگی و درهم‌ریختگی سامانه زندگی آدم‌ها در عرصه شهرهای بزرگ است. این زوج‌ها در چالش با رخدادهای اجتماعی دست و پا می‌زنند. تعطیلی روزنامه‌ها، بیکاری، آشفتنگی اقتصادی، استیصال و درماندگی آنها را به دنبال دارد. داشتن معیشتی با کمترین امکانات با تعطیلی روزنامه، سخت به خطر می‌افتد. تکاپوی مداوم برای یافتن کار دوباره در بستری پر از اضطراب و دلهره و در لابه‌لای سطور این نامه‌ها بازتابی عاطفی و درنهایت داستانی پیدا می‌کند و توانسته عرصه خاصی را به تصویر درآورد که در یک برآورد استقرایی می‌توانیم آن را بر محیط‌های دیگر اجتماع تعمیم دهیم. با این باور</div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><div></div></div>	<div>می‌توانیم محوریت داستان را از نظر معنایی، جامعه‌شناسانه بدانیم. سادگی و سیالیت متن، دوری از هر نوع حشو و تطویل، تکیه کردن بر روایت و احتراز از توصیف‌های حاشیه‌ای، زمینه را برای ارائه متنی زنده و خوشخوان آماده کرده است. نکته‌ای که توانسته پاساژهای ذهنی میان پاره‌روایت را بدون اسیر شدن در چنبره تعقیدهای لفظی و معنایی به هم وصل کند، زبان شخصیت‌هاست؛ همان عاملی که منتقدان مهم‌ترین پدیده در ساختار رمان می‌دانند.</div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><div></div></div>	<div>شخصیت‌ها در عرصه این داستان هر کدام زبان خاص خودشان را دارند و با آن فاصله نمی‌گیرند. اگر چه به دلیل نزدیکی خاستگاه و پایگاه طبقاتی‌شان اکثرا زبان و لحنی نزدیک به موقعیت اجتماعی واحد دارند. نکته قابل توجه در انسجام ساختار این رمان منظر نظر راوی است. چون سامانه رمان به وسیله نامه‌ها پرداخت می‌شود، راوی‌ها تقریبا همه اول شخص هستند. اما هر یک از منظر نظر خاص وارد عرصه می‌شوند. به عبارت دیگر رمان یک راوی اول شخص واحد ندارد، بلکه همه نگارندگان نامه‌ها راویان اول شخص روایت خودشان هستند. اما گره‌خوردن تمامی این خرده‌روایت‌ها در حقیقت به کمک راوی ذهنی خواننده است که از بیرون متن بر فضای آن محاط می‌شود.</div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><div></div></div>	<div>به نظر می‌رسد در شکل‌گیری این رمان دو نکته قابل تامل و بازنگری است. در یک‌چهارم آخر رمان با سه مرگ مواجه می‌شویم. در یک رمان ۲۰۰ صفحه‌ای با درون‌نمای جامعه‌شناسی، شکاف میان ذهنیت‌ها نمی‌تواند با عنینت خیلی چشمگیر باشد. در این حوصله کم زمانی چنین مینا، با آن همه هیجانسی که با خود آورده سقط می‌شود. دکتر عرفان که شخصیت سیاسی و متفکری است در زندان می‌میرد، هادی بعد از ناپدیدشدن همسرش نگار خودکشی می‌کند. دقت‌نظر راوی این بخش می‌توانست سامانه رمان را به گونه‌ای سرانجام بخشد که توقع خواننده هوشمند را از یک رمان مدرن بهتر برآورده کند. این گزندگی و تلخی بخش پایانی رمان را به فضایی ناتواالیستی نزدیک کرده است. نکته دوم که در نکته قبلی هم به نوعی تینیه است، تعداد زیاد شخصیت‌هاست در یک رمان با این حجم محدود. وجود چهارده نفر که هر یک به نوبه خود نقشی جدی در متن به عهده می‌گیرند، رابطه علت و معلولی رخدادها را به کنای پیش می‌برد. همچنین ایجاد تعلیق و انتظار و هیجان ناشی از آن را طی می‌کند. با حذف شخصیت‌های زهرا و مصطفی، باز هم روند داستان می‌توانست به سرانجام برسد تا مجال بیشتری به شخصیت اصلی داده شود.</div>

سلام
<b>نویسنده:</b> تبسم غیبشی
<b>ناشر:</b> ققنوس

می‌توانیم محوریت داستان را از نظر معنایی، جامعه‌شناسانه بدانیم. سادگی و سیالیت متن، دوری از هر نوع حشو و تطویل، تکیه کردن بر روایت و احتراز از توصیف‌های حاشیه‌ای، زمینه را برای ارائه متنی زنده و خوشخوان آماده کرده است. نکته‌ای که توانسته پاساژهای ذهنی میان پاره‌روایت را بدون اسیر شدن در چنبره تعقیدهای لفظی و معنایی به هم وصل کند، زبان شخصیت‌هاست؛ همان عاملی که منتقدان مهم‌ترین پدیده در ساختار رمان می‌دانند.

شخصیت‌ها در عرصه این داستان هر کدام زبان خاص خودشان را دارند و با آن فاصله نمی‌گیرند. اگر چه به دلیل نزدیکی خاستگاه و پایگاه طبقاتی‌شان اکثرا زبان و لحنی نزدیک به موقعیت اجتماعی واحد دارند. نکته قابل توجه در انسجام ساختار این رمان منظر نظر راوی است. چون سامانه رمان به وسیله نامه‌ها پرداخت می‌شود، راوی‌ها تقریبا همه اول شخص هستند. اما هر یک از منظر نظر خاص وارد عرصه می‌شوند. به عبارت دیگر رمان یک راوی اول شخص واحد ندارد، بلکه همه نگارندگان نامه‌ها راویان اول شخص روایت خودشان هستند. اما گره‌خوردن تمامی این خرده‌روایت‌ها در حقیقت به کمک راوی ذهنی خواننده است که از بیرون متن بر فضای آن محاط می‌شود.

به نظر می‌رسد در شکل‌گیری این رمان دو نکته قابل تامل و بازنگری است. در یک‌چهارم آخر رمان با سه مرگ مواجه می‌شویم. در یک رمان ۲۰۰ صفحه‌ای با درون‌نمای جامعه‌شناسی، شکاف میان ذهنیت‌ها نمی‌تواند با عنینت خیلی چشمگیر باشد. در این حوصله کم زمانی چنین مینا، با آن همه هیجانسی که با خود آورده سقط می‌شود. دکتر عرفان که شخصیت سیاسی و متفکری است در زندان می‌میرد، هادی بعد از ناپدیدشدن همسرش نگار خودکشی می‌کند. دقت‌نظر راوی این بخش می‌توانست سامانه رمان را به گونه‌ای سرانجام بخشد که توقع خواننده هوشمند را از یک رمان مدرن بهتر برآورده کند. این گزندگی و تلخی بخش پایانی رمان را به فضایی ناتواالیستی نزدیک کرده است. نکته دوم که در نکته قبلی هم به نوعی تینیه

است، تعداد زیاد شخصیت‌هاست در یک رمان با این حجم محدود. وجود چهارده نفر که هر یک به نوبه خود نقشی جدی در متن به عهده می‌گیرند، رابطه علت و معلولی رخدادها را به کنای پیش می‌برد. همچنین ایجاد تعلیق و انتظار و هیجان ناشی از آن را طی می‌کند. با حذف شخصیت‌های زهرا و مصطفی، باز هم روند داستان می‌توانست به سرانجام برسد تا مجال بیشتری به شخصیت اصلی داده شود.

سینمای جهان
<b>مویل استریپ در نقش ترامپ</b>

**گروه ادب و هنر**ا این روزها برای رامبد جوان روزهای شناسی است. علاوهبر اینکه برنامه پربینندهاش «خندوانه» از تلویزیون پخش می‌شود، در حال آماده‌سازی **نور** و رنگ آخرین فیلم بلندش با نام «نگار» است و قصد دارد آن را به‌زودی برای نمایش آماده کند. احتمال دارد این فیلم یکی از گزینه‌های عبید فطر باشد. علاوهبر این فیلم، «آزادی مشروط» یا بازی رامبد جوان و کارگردانی حسین مهکام به شبکه نمایش خانگی آمد. حسین پاکدل و هنگامه قاضیانی هم با رامبد جوان در این فیلم همبازی هستند. فیلمی که در سی‌وسومین جشنواره فیلم در بخش نگاه نو به نمایش درآمد و در مورد زندگی یک خانواده در سه شبانه‌روز پر تنش است.

## مردان عالی یک دهه

**گروه ادب و هنر**ا به گزارش «پوستون گلاب» دهمین مراسم سالانه «اسپایک گایز» که برترین مردان دهه را انتخاب می‌کند جایزه خود را به بن افلک و مت دیمون دو ستاره هالیوود اهدا کرده است. بن افلک از زمان بازی در فیلم «تایتانیک» به اوج شهرت رسید و مت دیمون نیز با بازی در فیلم «سه گانه بورن» توانست به یک ابر قهرمان تبدیل شود. رابرت دنیرو جایزه این دو بازیگر را به آنها اهدا کرد. جایزه منتخب «اسپایک گایز» جایزه‌ای از سوی شبکه کابلی «ویاکام» است که برندگان خود را با رای مخاطبان و تماشاکنندگان شبکه برمی‌گزیند. جایزه جفت «تندیس شاخ طلایی» جایزه اصلی این مراسم است.

ادب‌وهنر
<div>۸</div>
پنجشنبه ۲۰ خرداد ۱۳۹۵   ۳ رمضان ۱۴۳۷   ۹ ژوئن ۲۰۱۶   شماره ۱۹۶۴

**دانلود غیر مجاز باز هم قربانی گرفت**

## شکست آل‌پاچینو و هاپکینز



**🔴 آل‌پاچینو و هاپکینز بازیگر فیلم «سوءرفتار»**

پایین آن شکوه کرده است. چندی پیش روزنامه «تلگراف» نقدی سینمایی را به قلم منتقد مشهور خود به نام تیم رابی منتشر کرده که آخرین کار مشترک آل‌پاچینو و آنتونی هاپکینز را «بدترین فیلم سینمایی دو ستاره بزرگ هالیوود» نامیده است. نویسنده این مقاله از روند نزولی سینمای



**🔴 اردشیر صالح‌پور، پژوهشگر نمایش‌های آیینی و استاد دانشگاه آزاد اسلامی**

<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><div></div></div>	<div>دین‌شان را هنری کردند. به همین اعتبار مقوله هنر همواره بی‌واسطه و بلافاصله با دین و باورهای مذهبی عجین بوده و هنرمند به زیباترین و ماندگارترین اشکال، مفاهیم ارزشمند دین و حقایق ازل<span></span>ی<span></span>–ابدی را جاودانه کرده است. هنر قدیم با حکمت دین آمیخته است. فقط به جنبه‌های زیبایی‌شناسی و لذت‌گرایانه توجه نمی‌کند بلکه به جوهر حقایق و هستی‌شناسی آن توجه داشته و خود را هنرمند خطاب نمی‌کرده، بلکه گویی فریضه را به جا آورده است. او به هنر به شکل شهودی نگاه می‌کرد و دست و دل‌شان و دین‌شان در این خصوص یکی بوده است. زمان آنان بیکران و</div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><div></div></div>	<div>شما تلاش کرده‌اید تا بین اسطوره و آیین پلی بزنید و کثری بدهید، بهتر نبود تنها به امر آیین و نمایش می‌پرداختید؟</div>

**«نارسینا» نیایشگاه باستانی عیلام**

**نوی، کتاب پژوهشی قابل‌تاملی است که از اردشیر صالح‌پور به‌تازگی منتشر شده است. از سویی تخصص این استاد دانشگاه آزاد اسلامی در هنرهای نمایشی است که در این حوزه صاحب پژوهش‌ها و تحقیقات ارزشمندی است و دیگر اینکه او خود از مردمانی است که نسل‌شان به عیلامی‌ها می‌رسد. در همین‌باره با او به گفت‌وگو نشستیم.**

**شما تلاش کرده‌اید تا بین اسطوره و آیین پلی بزنید و کثری بدهید، بهتر نبود تنها به امر آیین و نمایش می‌پرداختید؟**

هم فضای نیایشگاه نارسینا و هم نگارکنداها و نقش و نگارها و هم معنای جوهری آنان که همانا اجرای مراسم آیینی و مناسکی و به عبارتی نیایش – نمایش بود، خود به خود مرأ بر آن دانست تا این نسبت و اشتراک شکلی و معنایی را در پژوهش باز کرده و به تبیین آن بپردازم. در ادوار کهن هم دین و هم آیین نسبتی انفکاک‌ناپذیر داشته و دین بدون آیین وجود نداشته یا بسیار کم بوده است. پیش از ادیان، اساطیر وجود داشته که آیین‌ها از آن زاده شده‌اند. درواقع اسطوره‌ها، مناسک‌سازند و این آیین‌ها هستند که اسطوره‌ها را زنده نگاه می‌دارند و هنر تئاتر از دل اسطوره‌ها پدید آمده است. یونانیان، هنرشان را دینی نکردند، بلکه

افتراقات این مسائل هرگز نمی‌توانست به درکی عمیق از مبنا و منشأ و حکمت این سنگ‌نگارها برسد. درواقع این فصول خواننده را برای دریافت و ارتباط ماهوری و جوهری با نقوش مهیا می‌کند. من فقط نمی‌خواستم به اشکال پردازم، بلکه به چیستی یا هستی‌شناسی آنان نیز توجه داشتم.

**بر این باور هستیم که «نارسینا» در آیین و نمایش قدمتی بیش از یونان دارد؟**

در آیین و نمایش پیش از یونان نیست «تئاتر» خیر، صاحب‌نظران امروزه تفاوتی بین دو واژه «نمایش» و «تئاتر» قائل هستند.

تئاتر وجه کامل و مفهومی و اتفاق دراماتیکی است که به نمایش گذاشته می‌شود و عملی را برای رسیدن به حقیقتی زنده و جاندار بر صحنه پیش چشمان تماشاگر مشترک دارند. تکرار و تداوم و رمزپردازانه است. زبانی روحی پاسخ می‌دهند. انس ایجاد می‌کنند. پیوندی حقیقی با طبیعت دارند. پس هنر قدیم، کهن است، اما کهنه نیست، زیرا با نهاد و ضمیر آدمی سروکار داشته و بر درونمای‌های بشری استوار است. به همین دلیل است که همواره اجرای آثار هنری کلاسیک تکرار و تازگی می‌پذیرند و دست زمان چندان بر آنان کارگر نیست. این روابط و مفاهیم در هنر مدرنیته یا «مروژگی» دیده نمی‌شود. خواننده بدون شناخت و اشتراکات و

افزودن پیوندی میان جهان قدسی و جهان غیرقدسی است. عمل قربانی‌کردن حرکتی مذهبی برای حرمت‌گذاری به کائنات است و قدیمی‌ترین مراسم دینی بشری. مراسم قربانی را به نوعی به «توازدی» به‌عنوان قدیمی‌ترین گونه تئاتر تشبیه کرده‌ام. «توازدی» در لغت یونانی به معنای «آواز بز» است: «تراگودیا». و ظاهراً در این گونه نمایش بزی را قربانی می‌کرده و گروه همسران کم به تن داشته‌اند. اینجا اشاره کنم که حیوان مورد عاقله عیلامیان که نماد زندگی تسبیانی آنان نیز بوده، همانا بز است و حتما تصویر بزی با شاخ‌های افراق شده را که کره زمین و آب را در میان کردی شاخ‌های خود دارد، بر جداره لیوان معروف نوش دیده‌اید. از سوی دیگر در ترازدی همیشه قهرمان قربانی می‌شود. او گاه قربانی خشم خدایان می‌شود و گاه قربانی قهر طبیعت و گاه قربانی گناهی مهیب و فکرامیز و گاه قربانی شرایط اجتماعی. در هر روی عمل قربانی و سقوط قهرسان یکی از مولفه‌های ترازدی است که این‌بار یونانیان در مراسم مذهبی قربانی‌کردن را به‌عنوان قدیمی‌ترین آیین مذهبی به نمایش درآوردند و آن را به توازدی کتنداده‌ند.



**به‌طور کلی در کولفرج، شش سنگ‌نگاره مستقل وجود دارد که هر کدام مراسم آیینی خاصی را نشان می‌دهند و از آن جمله سه سنگ‌نگاره به مراسم قربانی کردن پرداخته‌اند. همین‌جا توضیح دهم که مراسم قربانی یکی از قدیمی‌ترین و کهن‌ترین مراسم است که توسط انسان‌ها به‌منظور خشنودی کائنات و انجام فریضه‌های عبادی صورت می‌گرفته که اتفاقاً در این سنگ‌نگارها مجموعاً ۳۹ حیوان اعم از قوچ، بزکوهی و گاو نو ذبح شده و به نمایش گذاشته شده‌اند؛ یعنی برخی از آنان به حالت کشیده درحالی که پاهایشان به سمت آسمان است، حجاری شده؛ به مانند سنگ‌نگاره کاروانی در حال حرکت در میان صفوف نیایشگران. قربانی‌کردن هدیه دادن به خدایان است و نیایش از خدایان چیزی خواستن. این رسم عملی توانمند برای خشنودی خداست اما نقض سه مردمان نیز می‌رسد یعنی گوشت مذبحه به‌طور عادلانه بین نژادمانند توزیع می‌شود. این سنت همچنان در میان ایرانیان در مراسم مذهبی باقی است. قربانی‌کردن امری مقدس است و ریشه آن به «قرب» به معنای نزدیکی با خدا برمی‌گردد. به عبارتی هدف قربانی کردن**

ادب‌وهنر
<div>۸</div>
www.Farheekhtegan.ir
Thu.   9 Jun 2016   Vol.08   No. 1964

پنجشنبه ۲۰ خرداد ۱۳۹۵ | ۳ رمضان ۱۴۳۷ | ۹ ژوئن ۲۰۱۶ | شماره ۱۹۶۴

گزارش اول
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><div></div></div>

آل‌پاچینو می‌گوید و فیلم‌هایی مانند «۸۸ دقیقه»، «قتل عادلانه» و «آرامش» را به‌عنوان سسند این ادعا عنوان می‌کند. فیلم «سوءرفتار» یک تریلر حقوقی است که درباره یک آدم‌ربایی است که هیچ نوع وحدت موضوعی و چرخش داستانی جذابی ندارد و تنها پنجه به کلیشه‌های سطح پایین فیلم‌هایی از ژانر «آدم‌ربایی» می‌اندازد. فیلم «سوءرفتار» با هزینه‌ای بالغ بر ۱۱ میلیون دلار ساخته شده و دو بازیگر برنده اسکار به نام‌های آنتونی هاپکینز و آل‌پاچینو هم نتوانسته‌اند آن را از محاق سقوط به ورشکستگی نجات بدهند. شبتارو شیموساوا، کارگردان این فیلم در شبکاگو خود به نام تیم رابی منتشر کرده که آخرین کار مشترک آل‌پاچینو و آنتونی هاپکینز را «بدترین فیلم سینمایی دو ستاره بزرگ هالیوود» نامیده است. نویسنده این مقاله از روند نزولی سینمای

سالی از سینما دور خواهد ماند.

مناسکی و به عبارتی کاروانی و دسته‌روی یا «کارناوالیته» را پیش از یونانباستان در نارسینا «کولفرج» ایذه خوزستان مشاهده می‌کنیم که در آن ۱۱۷ نفر نیایشگر در صفوفی منظم، سرودخوان و دعاگزار در حالی که بیکره‌ای را حمل می‌کنند و مذبوحه‌هایی را در صفوف خود مشایعت می‌کنند، به همراه گروه ارکسترآسیون موسیقی قریب به هفت کیلومتر را طی می‌کنند و همه آحاد ازجمله کاهنان، نیایشگران، شخصیت‌ها و منصب‌ها و هنرمندان نوعی نمایش – نیایش میدانی – آیینی را برای ما به یادگار می‌گذارند. این سنگ‌ها قدمتی سه‌هزار ساله دارند و از نظر زیبایی و هنرهای صخره‌ای و نیز ترکیب و کمپوزیسیون و قلم‌گیری و نقش برجسته در نوع خود بی‌مانند هستند. نکته مهم و قابل‌توجه آن است که اگرچه در ایران تئاتر به مفهوم «یونیزیوسی» آن مانند یونان وجود نداشته، اما منظر ذهن ایرانی بر رویه نمایش شرقی استوار بوده و ما صدها نوع نمایش و آیین‌های نمایشی دینی، کشاورزی و حرمت‌گذاری به طبیعت و مواهب هستی را داشته‌یم. اصولاً جهان‌بینی شرق و غرب در نسبت به نوع نگاه به عالم و هستی و کائنات و انسان متفاوت است و این سنگ‌نگارها را می‌توان به‌عنوان قدیمی‌ترین نمایش‌ها و نیایش‌های کارناوالیته مطرح و معرفی کرد.

**البته برخی معتقدند به جز همان نقش و نگارها شواهد دیگری موجود نیست و پرسش من این است که تا چه اندازه می‌توان چنین ادعای مهمی را ثابت کرد و برای اثب آن چه کاری باید کرد؟**
چندین گل‌مهر را که جنبه روایتگری داشته‌اند در همین کتاب آورده‌ام و از همه مهم‌تر جسام معروف «کیدین هوتران» ارجان بهبهان که هم‌دوره عیلام نو است و نیز به فاصله کمی از همین جغرافیا قرار دارد، گویای این وجه روایتگری‌های نمایشی است که در آنجا نیز شاهد حرکات نمایشی اعم از حرکت به روی «چوب پا» را راه رفتن روی دست‌ها و نیز عملیات موسیقایی نمایشی هستیم. ضمن آنکه به‌طور کلی جام کیدین هوتران موسوم به جام زندگی در واقع داستان و واقعه‌ای را در لایه‌های به هم پیوسته به نمایش می‌گذارد که نشانگر علاقه عیلامیان به جنبه‌های نمایش و روایتگری‌های نمایشی به زبان تصویری بوده‌اند.

**با توجه به تدریس‌تان در دانشگاه آزاد اسلامی، امر پژوهش تا چه حد در رشته هنرهای نمایشی مدنظر است و تا چه اندازه این مساله دغدغه دانشجویان است؟**

خوشبختانه طی سالیان اخیر همواره رویکرد و دغدغه نمایش و ریشه‌های نمایش ایرانی مدنظر بوده و تحقیقات و پژوهش‌های بسیاری در این زمینه صورت گرفته و پایان‌نامه‌های تحصیلی زیادی بدان پرداخته است. بی‌شک خلق و آفرینش آثار هنری مستلزم دو مقوله «پژوهش» و «آموزش» است و این سه با هم پیشرفت و تعالی تئاتر ایران را تضمین می‌کند. تئاتر و نمایشی که مبتنی بر هویت ایرانی و فرهنگ خودی باشد و قطعا برای ماندگاری و تحقق اصولی این امر باید به دانشگاه ت سری یابند. البته وجود گرایش «پژوهش هنر» در دانشگاه آزاد اسلامی نیز زمینه خوب و موثری برای این رویکردهاست.

فرهنگیستان
<div>۸</div>
www.Farheekhtegan.ir
Thu.   9 Jun 2016   Vol.08   No. 1964

پنجشنبه ۲۰ خرداد ۱۳۹۵ | ۳ رمضان ۱۴۳۷ | ۹ ژوئن ۲۰۱۶ | شماره ۱۹۶۴

مستند
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><div></div></div>

**تکرار دوباره یکی از مدیران تلویزیونی**



**مهرداد ابی‌دوست** | در ادامه بازگشت مدیران قدیمی تلویزیون، در تازه‌ترین مورد، رضا پورحسین، حکم از سوی مرتضی میرباقری، سرپرستی شبکه مستند را به عهده گرفت. مدیریت شبکه آموزش، چهار و دو سیما و قائم‌مقامی رئیس صدا و سیما از جمله سابقه‌های مدیریتی پورحسین است. او که نقش موثری در راه‌اندازی شبکه آموزش و شبکه مستند داشته با مجری‌گری برنامه‌های مناظره انتخاباتی سال ۸۸ مشهور شده است. پورحسین یک بار دیگر با کنار رفتن محمد زین‌العابدین، سرپرستی شبکه مستند را با حکم علی دارابی به عهده گرفت و حالا در حالی از سوی مرتضی میرباقری معاونت سیما معاهده‌دار سرپرستی شبکه مستند شده است که امیر تاجیک از مدیران منصوب شده محمد سرافراز از سمت خود به تازگی استعفا داد. تاجیک از مهم‌ترین مدافعان و نزدیکان سرافراز، رئیس سابق صدا و سیما بود که نامه‌های افشاگرانه‌اش علیه دوره ریاست عزت‌الله ضرغامی با واکنش‌ها و جنجال‌های زیادی رویه‌رو شده بود. تاجیک در نامه‌های سرگشاده‌اش مدعی شده بود که بخشی از آرشيو صدا و سیما از سوی مدیران ضرغامی به شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی زبان معاند خارج از کشور فروخته شده است. همچنین او مدعی شده بود که شبکه مستند در دوره مدیریتش با افزایش قابل توجه مخاطب رویه‌رو بوده است. در روزهای اخیر بازگشت مدیران قدیمی شبکه‌های تلویزیونی با حکم مرتضی میرباقری با واکنش‌های مختلفی رویه‌رو شده است. عده‌ای این انتصاب‌ها را بازگشت به عقب می‌دانند و معتقدند مدیران بازنشته، با الزامات و ضرورت‌های جدید شبکه‌های تلویزیونی چندان آشنا نیستند و حتی اگر قادر باشند دوباره شبکه‌های تحت سرپرستی‌شان را به دوره‌های مدیریت‌شان برگردانند، باز هم از جهان امروز رسته‌اند عقب خواهند ماند. این دسته از منتقدان معتقد به چرخش مدیریت نخبگان هستند و تاکید دارند رسانه باید به دست نیروهای خلاق جوان‌تر سپرده شود. در مقابل عده‌ای نیز خوش‌بین هستند که مرتضی میرباقری دوباره بتواند با جمع‌آوری مدیران تلویزیونی دوره خودش در معاونت سیما، به برنامه‌ها رونق بدهد. گفتنی است مرتضی میرباقری بعد از انتصابش از سوی علی عسگری به سمت معاونت سیما، علی اصغر پورمحمدی را به شبکه سوم سیما بازگرداند و علیرضا برازش را دوباره سخنان مدیریت شبکه یک را در دست بگیرد. همزمان با این انتصاب‌ها، مدیران گروه‌های این شبکه‌ها نیز تغییر کرده و مدیران قبلی دوباره به سمت‌های خود بازگشته‌اند. از سوی دیگر باید دید در روزهای آینده چه کسانی بر مسند معاونت صدا، مدیریت شبکه‌های دو، چهار، پنج و خیر می‌نشینند. در مراسم معارفه علی عسگری مهم‌ترین چهره‌ای که توجه‌ها را به خود جلب کرد، علی لاریجانی، ریاست مجلس شورای اسلامی بود که خود تجربه هشت سال مدیریت بر سازمان صدا و سیما را داشت. لاریجانی در سخنانش در واقع خط‌مشی آینده صدا و سیما را نیز ترسیم کرد و اغلب مدیران جدید صدا و سیما از مدیران مورد اعتماد او بوده‌اند. حالا باید دید با توجه به حمایت لاریجانی از دولت یازدهم و بازگشت مدیران قدیمی، تا چه اندازه ماشین تخریب دولت در صدا و سیما در بخش‌های مختلف از کار خواهد ایستاد؟